چکیده:
سفرنامه‌های دوره صفوی و قاجاری، صرف‌نظر از کاستن‌های محتوایی و روش‌شناسی کشی، به عنوان یکی از اسناد معنی‌دار تاریخی، در سفرنامه‌های دوره صفوی باید به شمار می‌آید. نگاه داخلی و نگاه خارجی از جهان ایران و تأثیر عمیق آن بر هوری ایرانی است، در نهایت تمرکز این مقاله را این قضاوت‌ها واقع شده‌است. هنگام هنگامی‌ای‌پاسخ به یک پرسش اصلی است که به‌نوعی می‌تواند از هوری ایرانی که در این سفرنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است کدامند؟ 

مقاله با توجه به تعریف هوری که یک وجود دیگر گیرنده در فرآیند هوری‌هایی که با توجه به نقش موقت‌های فرهنگی در تکوین هوری‌هایی، از جمله هوری‌های فرهنگی ایرانیان، الهام‌برنگی از صرف‌نظر از عوامل اصلی و در نهایت تا حدی از عوامل ضروری و مقتضی، بررسی می‌گردد و در نهایت سوالاتی می‌پیوندد که، به‌نوعی، این سوالات به توجه به توجه به تکوین عناصر در سفرنامه‌ها و به‌نوعی، این سوالات به توجه به تکوین عناصر در سفرنامه‌ها می‌باشد.
سال‌ّطتن، ضرای، ۱۸۳۱: ۸۹

سرزمین‌های زیادی برای جهان‌نوازی ناشناخته بود، به انگیزه سفر همیشه تمرد شد. یکی از آشور‌هایی که به خاطر قدمت تمامی، تنوع فرهنگی، جذابیت تجاری و سودآوری اقتصادی، موقعیت ارتباطی با سایر مناطق دنیا و اهمیت سیاسی در منابع و روابط بین کشورهای برگزیده وقت ایران، امپراتوری عثمانی، دولت‌های اروپایی و روسیه تزاری، از دیرباز مقصد سیاحتی بوده، ایران است. این اهمیت، در عصر اسفنازی که یکی از ادوار مهم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران بوده و از نظر فرانسوی سیاسی متغیر با وسعت هزار سال زبان، مذهب و اسطوره (تاج‌بیوک: ۱۳۲۴)، یکی از نقاط عطف می‌زد، مضمون‌گرید و سیاحت‌زیادی از روایه‌های نموده به گونه‌ای که می‌توان کشف و رود سیاحت در قرن ۱۸ و ۱۹، موجب شد تا در اروپا تهیه شناخت ایران شکل‌گیرد (شیبانی، ۱۳۸۱: ۴-۹).

سپایری از این سیاحان، پس از بازگشت به شکوه‌های خوش، به نگارش خاطرات سفر خود خود در قابل‌سیرنامه‌های نمایگرداند که صرفاً نظر از کاستی‌های معنی‌برنگی یا روشی، از نظر معیار تاریخی به حساب می‌آید و تصویر روشی از وضعی اجتماعی، تشکیلات اداری، آداب و رسوم و سنن ایرانیان و زبان ارائه می‌دهد. این سفرنامه‌ها، از حالات، آداب و فرهنگ مللی حکایت می‌کنند که سفرنامه‌نویس آن‌ها دیدن کرده است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۲). در این سفرنامه‌ها، وجه تشایم و تماشای فرهنگ‌های ملل مختلف و چگونگی هم‌هویت و فرهنگ ملت‌مردان، از زاویه دید مسافران به خوبی قابل درک می‌نماید. به بیان دیگر، سفرنامه پاییز مقابل است که نویسنده خارجی به استفه آن، از یک سو به هم‌وطنان و هم‌ماندان خود آگاهی و اطلاع می‌دهد و از سوی دیگر، به تأکید دیگران نسبت به خود آگاه می‌کند. سفرنامه‌روایت زندگی بشر و دائمی واقعی سرزمین‌ها و مردم‌های واقعی است که رفاه‌ها، آداب و رسوم، عللت و ویژگی‌های زندگی انسان‌ها در مکان‌های مختلف و زمان‌های مختلف و بعد می‌نمایند (همان: ۲۰).

سفرنامه کتابی علمی و تحقیقی است که هم افراد را بررسی می‌کند و هم کلیست جامعه را. بر این اساس، در این تحقیق در صدد بوده است پیرششم باش دهیم که هویست
فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های اروپاییان عهد صفوی و قاجاری جشن انکار یافته است؟ هر چهار دیگر سفرنامه نویسان اروپایی در نگاشته‌های خود، جشن‌های فرهنگی ایرانیان را توصیف و ترسیم کرده‌اند. رکیم‌کیز در مؤلفه‌های فرهنگی ایرانی، در این سفرنامه‌ها می‌برد، باز و خصوصیه‌های و فراگیر ایرانیان شناسانه‌شده و مورد توجه بیشتری قرار گرفته است؟

روش‌شناسی تحقیق

هر تحقیقی متناسب با موضوع خود مستلزم کاریست روش ویژه‌ای است. در این پژوهش به منظور استخراج مختصرات هریت فرهنگی ایرانیان از متن سفرنامه‌ها، ابتدا بررسی مقدماتی تعداد یکصد و یک سفرنامه موجود در مراکز استان و کتابخانه‌های کشور شناسایی گردید. از آنجا که هر سفرنامه‌نویسی که نارغز ملاحظات اداری و سیاسی، بلکه بیشتر به این فرد، گری در ادبیات و ادبیات سفرنامه‌های دولت‌یاران و مقامات رسمی شامل امورین دولت، نظامیان و افسران، سفران و افسانه‌های افسانه‌ای و غیره به تعداد 84 سفرنامه خارج از حوزه مطالعه مقاله قرار می‌گیردند. از مجموع 67 سفرنامه باقیمانده تعداد 7 سفرنامه به دلیل محدودیت جغرافیایی که فقط خاک‌های سفرنامه‌نویس از یک منطقه‌های مختص مثل لرستان با خوزستان بوده و فاقد و یک‌گی‌های مطالعه مرد شناختی یا فرهنگی است مثل سفرنامه لرستان و خوزستان نوشت‌های پارسی، جهانگرد روس‌ها و اورشلی مکمل‌نور که فقط مختص خاک‌های سفر به مناطق اصلی حاضره دریای خزر بوده یا سفرنامه ایران‌نویسی پیش از به بیستون و بخش ایران و یا به دلیل محدودیت موضوعی خارج از سفرنامه‌ها، سون هدفی که به مباحث تکنیکی کوپرشناسی می‌پردازد، یا سفرنامه‌های فرانسه که فقط به توصیف جغرافیایی اماکن مورد بیان اختصاص دارند و افزایش مطالعه خارج شدن. در نتیجه تعداد 44 سفرنامه ذیربط با موضوع بروزه‌های نقش‌بازی ماند که با توجه به میزان توجه سفرنامه نویسان به ابعاد مدل‌شناسی و فرهنگی ایرانیان تعداد 44 سفرنامه از سوی نگارنده گردید. این ترتیب، می‌توان گفت که جامعه نومنه (سفرنامه‌ها) به صورت تعمیدي یا انتحابی تعیین شده‌اند. از حجم جامعه نومنه تعداد 10 سفرنامه مربوط به دوره صفویه و 36 سفرنامه مربوط به دوره قاجاریه، باقی ماندند. در گریزش
جامعه نمونه سعی شد همین نسبت نیز معایه‌های موردی یعنی حدوداً یک چهارم
سیرنامه‌ها به صورتی و سه چهارم به دو سیرنامه اختصاص یاد. از میان جامعه نمونه
سیرنامه برادران شریف، فیگوره‌ها، دلاله، تاونیت اولاریوس، شاردن و کمپر، متعلق به
درویشی و سیرنامه‌های کاریسمتی، آیاکار، وامبری و کولیورسی،
دروری، اولیریوس، پولاند، شیل، روشمار، کورنبورن، براون، دمرگان و بیشان، جکسن،
بابن و هربرنت، گرنتوردل و گریل به دوره فاصله‌های اختصاص داد.

روش گردآوری داده‌ها از متن جامعه نمونه بدين صورت بود که محقق با استقراض
نام جامعه نمونه آن دسته از عبارت‌ها و واژه‌هایی که از سوی سیرنامه‌نویسان با
تعمید مواجه شده و به عنوان ویژگی‌های ایرانی‌ای بین شهادان را در دو دسته
خصائص مثبت و منفی طبقه‌بندی نمود و ملاک انتخاب آن صفت اعماق از ابزار و
سابل آن بود که حداکثر در یک سوم جامعه نمونه بدان اشاره شده باشد. به عبارت
گیری برخی مختصاتی که از فعالیت یاد شده برخورد در نبوده و فقط از سوی تعداد
اندکی از سیرنامه‌نویسان هر جنبا تعمید به ایرانیان متساب شده برند در طبقه‌بندی
یاد شده قرار نگرفتند.

یادآوری یک نکته در خصوص یک انتخاب در دوره صفویه و قاجاریه لازم به نظر
می‌رسد و آن اینکه حداکثر زمانی بین دوره صفویه و قاجاریه نیک‌داده سال
است و سیرنامه‌ای در این فاصله زمانی کریش نشده است. این دلیل عمده در این
خصائص قابل ذکر است: اول اینکه تعداد سیرنامه‌های نوشته شده در این دوره بسیار
نادر و مطابق بررسی انجام شده از انگشتان یک دست تجاوز نمی کند مش سیرنامه
کارشن نیزور و دوم اینکه برخی به بخش دو دوره یاد شده اشمال آنها بر بعد هموار
است بدن و نیز نظر که دوره صفویه با تشکیل اولین دولت ملی در ایران توانست «خود یا
همان هریک ایرانی» را در حال «دکتر عثمانیه، نادریه ازبک، روسیه تزاری و
انگلیسی‌ها، علیه نمایید و حسن ایرانی بودن را با انتشار بر
سه عمر سرمایه، مذهب و استقرار بزاریاد و احیا کند و دو دوره قاجاریه از این زاوية
که متعاقب مواجد هم‌سازه‌ای اروپاییان در ایران و مواجهه ایرانیان با مظاهر پیشرفت و
نوسازی غربی و اقلیم‌شناسی عظمت، قدرت و هریک از این اکثریت ایرانی، آنها)
را چنان چنان در نظر بوده و شاگردانهای نمود حائز شانه شده و جنون درون
آفرینی و دو سلسله جر و سقوط کشورگرایی صرف (دوره اصلاح‌دار!) و چنگ‌ها و
کشمکش‌هایی از خوانین محلی (دوره لندیه) و هرچند معمول قدرت و فاقد بعد

۲۴
مفهوم شناسی هویت و هویت فرهنگی

هویت به عنوان مفهومی پدیده‌ای چندوجهی تشکیل‌دهنده تصور‌های علمی به‌عنوان راسته‌ای اخیر بخواه جلب کرده است (سیمون، 2002: 3). فرهنگیت دارای وجوه، سطوح و کارکردهای مختلفی است که فقط بر برخی نکات مهم تأکید می‌شود. از مبانی تعاریف مختلف هویت می‌توان به نظر کاستلر اشاره کرد که هویت به معنی کیستی و هستی یک فرد، گروه، جامعه و ملت، فرآیند ساخته شدن معنی، بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند تعیین می‌شود (کاستلر، 1997: 7). هویت بدنی معنا کاربردی‌های متعددی دارد و آنها عبارتند از:

هویت موجب می‌شود که فرد یا گروه جایگاهی در جهان اجتماعی بیاند. احساس تعلق نماید. احساس تعلق بوزه در مورد هویت جمعی معنا‌دارتر است. اما باید توجه داشت که هویت نه تنها مبتنی بر احساس تعلق است بلکه بر علیه آن نیز دلالت می‌نماید. یعنی هویت هم تعلیق می‌کند که فرد یا گروه به چه چیزی، چه کسی، چه زمانی و چه مکانی تعلق دارد و هم نشان می‌دهد که به کدامیک از آنها تعلیق و دلبستگی ندارد. هویت نه تنها می‌گوید که فرد یکیست بلکه می‌نمایند که فرد یا گروه چیست. بنابراین می‌توان گفت که هویت جمعی تماشایی‌خوانیده از پرون گروه و تعلق بخش به درون گروه با صورت ثوامان هست.

1- Multifaceted
2- Out-group
3- In-group
از دیگر کارکرهای هوتیت این ایست که موجب احترام و عزت نفس اعضای خود می‌شود. بدین ترتیب که فردی که در جهان اجتماعی در موقعیت مناسب و خوبی قرار داشته باشد به نوعی خود از عزت نفس برخوردار گردده و مورد احترام دیگران بر قرار می‌گردد. از این منظر ابیت که وجود دیگران در فرآیند هوتیت یا موضوعیت می‌یابد. چون نیاز است که این فرد با گروه‌ها بطور احترام‌آمیز به رفتار صحبت‌شناساند.

علاوه بر این هوتیت چشم‌اندازی به جهان می‌کشید که از روی‌نگاه این هم جهان و هم جایگاه فرد در آن به طور معمولی درک و تفسیر می‌گردد و سرانجام اینکه هوتیت نشان‌ای است که به دارندگان اجازه می‌دهد خود را وجوه واقعی و منبع وندش و خاستگاه کنشها و اعمال به متنه کارگران اجتماعی مؤثر بیشتراند (سیمون، همان: ۶۷-۶۹).

بدين ترتيب، هوتیت مفهومی است که دیوانی درونی یا شخصی را با فضاه جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هوتیت‌ها معاونانی کلیدی هستند که به‌صورت فکری افراد را شکل می‌دهند و مبهم و انتظار بوجود آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم از طریق هوتیت و یا هویشنان به دیگران می‌گویند که چگونه هستند و مهمر اینکه به خودشان نیز می‌گویند چک کی یا کدام سبسب می‌کوشند به گونه‌ای رفتار کند که این کسی که تصویر می‌کند هستند انتظار می‌رود و دیگران نیز بر مبناه همین هوتیت ارزش شده و دریافت شده از این ملت تصویرسازی می‌کند و برداشت‌ها، رفتارها و روابط خود با این ملت را بر مبنای هوتیت منصور تهیه و ترسیم می‌کند. در واقع می‌توان گفت که فرد و گروه رابطه با دیگران بر اساس نوع هوتیت است که از آن‌ها در نظام باور و فضاه ذهن و ضریر خود ترسیم می‌کنند.

هوتیت دارای سطح معنادی است اما این نوشته فقط سطح جمعی آن را در سطح هوتیت می‌باشد. برای اطمینانهای فرهنگی مد نظر قرار می‌دهد. زیرا در سطح هوتیت اجتماعی است که وجود و حضور «دیگران» برای موجودیت هوتیت «خودی» معنا پیدا می‌کند. چه طبق تعریف، هوتیت اجتماعی عبارت است از همه، مبتلا، بر اینکه چه کسانی هستند و چه مبتنی بر اینکه چه هستند، و علایق است از همه دیگر مدرم مبتنی بر اینکه آنها کی هستند و چه چیزی هستند. و درد دیگران، آن‌ها اهمیت دارد که حتی به باور برخی از صاحب‌نظران، زندگی اجتماعی انسان بی‌سنبه اینکه دیگران چی هستند و می‌که هستیم غیرقابل تصور است (جیکینس، ۱۹۹۶، ۵).

1- Perceived identity

۳۶
بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در...

ما تنها اخودها و دیگران؛ را تعريف می کنیم بلکه از طرف دیگر، به‌وسیله دیگران
در رابطه دیالکتیکی بین درون - برون و خودفهمی و دیگرهای می‌تعیین می‌شوند (همان‌که: ۲۲). وجود دیگری برای هویت‌پایی آن‌ها اهمیت دارد که حتی بی‌باید
فرهنگی نیز بود بدون وجود دیگران نامنکن می‌شود. چنانکه گیدنر اشاره دارد: وجود
اشخاص دیگری و آگاهی از هویت آنان یکی از پرورش‌های مهم هستند که طی
آن فرد تلاقی می‌کند با فراتر رفتن از شناخت جسم، ذهن و سایر دیگران را نب‌ی
بازشناسی کند. از قبیل همین نشناهای است که اعتماد به دیگران و ایمان به اعتماد و
جامعه دیگران وجود می‌آید (گیدنر، ۱۳۷۸: ۴۷ و ۸۰).

در جهان واقعی ما با توجه از عضویت‌های جمعی - خانواده، جنسیت، مذهب،
دین، گروه‌های حرفه‌ای، اجرای، قومیت‌ها و غیره - موافقتی هستیم. ولی این نگاه به
هویت‌های جمعی فقط از چشمانداز عضو فرده است. اما می‌توان به توجه‌هایی بپردازیم
به عناوین اجتماعی فرهنگی نیز تغییر بیشتری ایجاد شود. این دو سطح از تحلیل، فردی و جمعی,
اغلب به هم اشتباه می‌شود ولی است که یک‌دیگر نمی‌تواند. چون هر چند
که جمعیت‌ها و اجتماعات فرهنگی از آن‌ها به‌طور کامل می‌توانیم
آنها را صرف‌اً به انواعی از افراد تقابل به‌دیه که در صفات خاصی با هم سه‌می‌کنند
و با یکدیگر زندگی می‌کنند (اسمی، ۱۳۸۲: ۳۱) یکی هستند این نوع فرهنگی است. در حالی که انواع دیگر
به‌طور خاص در علاقه‌مندی است که در هنگام ساختن می‌کنند. این
بستگی به هدف‌ها و اهداف می‌کنند. این یک حاصل اجتماعات فرهنگی
با تباث‌شده است. یکی از عناصر فرهنگی اصلی که از آن‌ها تشکیل می‌شود - خاطرات,
از شناخته‌ها، به‌همه‌ها، اضطراب‌ها و ست‌ها - از آن‌ها افتراً و با تباث‌شده است (ص ۲۱ و
اوژرکیمی، ۱۳۸۳: ۱۷۴). این عناصر در خاطرات جمعی، قوه‌ماند و شخصیت‌های
بزرگ، ارزش‌های شخصیتی، عادات و غیره، نمادها، پذیرش‌های مقدس، خوان‌ها و پوشاک و
اساطیر ریشه‌شده‌است. در نوع بیشتر، ست‌ها و روست، مناسک و شریعت‌های
متبوع می‌شوند. در این موارد به‌زیاد عناصر فرهنگی جمعی ترکس و ماندگار است و
لازم است که به صورت پژوهشی و متمایز در فرایند هویت‌شناسی مورد تحلیل قرار گیرد.
به‌طور اولیه، هویت‌های فرهنگی از جمله ساخت‌های طولانی و به دقت، و
تا حدودی تابی و ایستا هستند. هویت اجتماعی بر اساس فرهنگی که در اندکی و افکار
مردم وجود دارد و از طریق آن‌چه که آنان می‌کنند و ادامه رسم‌های مهده ترسیم می‌شود.
این هویت مکانیسمی است که از راه آن انسان‌ها با محیط‌شان تعامل برقرار می‌کنند. وی
از این جامعه تصویری اندرسون بهره می‌برد که ملت جامعه‌ای تصویری است که اعضای جمهوری کوچک‌تری ملت نیز بی‌معرفی هم‌وقت‌اند. خود را نخواهد شناخت با ملاقات‌های کوچک‌تری که در یک جمعیت در مورد آنها ملاقات‌های دست‌داشت اما در اینجا هر یک از آنها تصویری از اجتماع نظامیان زندگی می‌کند (اوزکریملی، 1838: 176). به دیگر صحبت، مفهوم هویت بر وحدت ابعاد دوگانه به عنی راه‌یافته که از طریق آن ما توافق می‌کنیم و بعد عنی باعثگرایی از زندگی اجتماعی که ما در بطن آن زیست می‌کنیم تشکیل می‌گردد (پول، 1999: 45).

از مبانی هویت‌های جمعی، هویت ملی یکی از مهم‌ترین آنهاست که به بیان مختصر مؤلفه‌های آن می‌پردازیم. امتیاز یکی از صاحب‌نظران موضوع هویت ملی معنی است که مفهوم هویت ملی مفهومی بسیار پیچیده و انترسیو است و شامل عنصر زیر می‌شود: محدوده سرمایه‌ای با جمعیت فرهنگی محور در سرمایه‌های طارم و عناصر تاریخی مشترک، فرهنگ مشترک، تشکیل سرمایه‌ی نیروی کار و منابع بین همه اعضای سرمایه‌ی برخوردی از حقوق و وظایف قانونی مشترک در پروت حقوق و نهادهای مشترک (اسمیت، 1999: 230 و 231).

وی در کتاب دیگر خود هویت ملی را چنین تعریف نموده است: نه هویت اصطلاح هویت ملی نسبتاً متأخر است و جایگاه‌های اصتفاحات هنری‌های چون ملت‌های قبل و بعد اگاهی ملت‌های شده است که به صورت گسترده در قرون 19 و 18 و 17 مورد استفاده قرار می‌گرفتند. هویت ملی عبارت است از یادآوری و بازنگری دایمي گذشته‌های ناگهان، خاطرات، استدلال‌ها و سنن‌های که می‌تواند متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و یا عناصر فرهنگی اش (اسمیت، 1838: 19 و 20).

بدین عناوین، یک ملت صحبت می‌کنیم صرف اینکه می‌تواند صرف در مورد مشخصات فیزیکی یا رفتار‌های نمی‌گویم بلکه در عین حال می‌خواهیم باهم که آنها چه تصویری از خودشان نشان داده‌اند. (و دیگران چه تصویری از این ملت دارند) در نهایت یک هویت ملی مستلزم شرکت افراد در برخی موارد است یعنی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که اغلب در گذشته به عنوان یک ملت مطرح بود یا همان فرهنگ عمومی مشترک (پول، 1988: 32).

1- National character
از این تعاریف جنین پیم‌آید که می‌توانی‌ها فرهنگی یا هویت فرهنگی نقش بر جسته‌های در تعیین هویت ملی داراست و ملت‌ها علاوه بر، و مهم‌تر از جدایی‌سازی، از راه شناسایی فرهنگی. این تفاوت به این ترتیب است، فرهنگ‌ها در مسیر انسانی زندگی می‌گذرند و در آن زمان فرهنگ‌هایی از یکدیگر جابه‌جایی می‌کنند. به عنوان یک پرساژ فرهنگی می‌دانند. فرهنگ‌های متمایز و غیر تنی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. گروه‌ها و ملت‌ها همراه با توسیع به‌دیگر عناصر فرهنگی گوناگون هویت ملی یا انسانی یا عناصر غیر انسانی توانایی چشمگیری دارند تأثیر انسان‌ها به منظور ساختار و اهمیت شدن در جمع‌آوری، این دیدگاه فرهنگی مقوله‌ای تفاوت مدار است و شیوه زندگی خاصی را می‌سازد. این تفاوت و خاصیت، نه تفاوت انسانی است که به‌طور عادی مردم جمع‌آوری را انجام می‌دهند. انسان‌ها به صورت فردی و جمعی از روش‌هایی استفاده می‌کنند که به سازند (تاجیکی، 1382: 49 و 50). به عبارت دیگر هویت فرهنگی شامل احساسات فرضیات، ارزش‌ها، واقعیت‌ها، هنرجویی‌ها و تصور‌های است که با آن مردم تجربه‌ای را شکل می‌دهند (وربروئنرات، 2001: 69 و 70). و با آن به چنین نقش می‌گردد و دیگران نیز از همان قسم‌نامه با این اجتماع می‌گرند و معنای‌ها و کلیک‌هایی خود از این اجتماع را از طریق همین مختصات فرهنگی انجام می‌دهند و جغرافیای تفاوت و تشابلیک بین خود و دیگران را ترسیم می‌کنند.

برای رسیدن به این اهداف، موضوع فردیت و سب‌همتی به‌هنگام در هویت فردی (اسمیت، 1999: 59) در سطح ملت و در نهایت ملت‌های دیگر مدل تأثیر فارغ می‌گیرد. در واقع، «من» در این بحث، وسیع‌تر به گسترده‌تر ملت می‌بابد و مختصات و ویژگی‌های فرهنگی «من ایرانی» در برای «دگر اروپایی» از منظر سفرنامه‌نگاران اروپایی، بررسی می‌شود. به عبارت دیگر، با الهام از دیگر اندلسون می‌توان بر تعیین ملت به عنوان «جامعه تصوری» (پرستون، 1997: 10) تصور و برداشت دیگران از هویت ملت ایران در این نوشنار مورد توجه قرار می‌گیرد. با این مقدمه، قسمت بعدی مقاله به ایران‌نهضت و تصویربراسازی سفرنامه‌نگاران عهد صفوی و تقابل از جهان و هویت ایرانی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی ایرانیان می‌پردازد.

1- Imagined community
بازنماي هويت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌ها

بدون اعمال نظر به ارزیابی محتوای و روشی سفرنامه‌ها به عنوان یکی از مباحث پژوهشی تاریخی، این نهایت هستی است که از اعتبار موضوعی، سفرنامه‌نویسان بر حسب میزان زبانگویی، وسعت دانش، زمینه علمی، اندازه‌گیری و آزاداندیشه، مدت حضور در ایران، گسترده جغرافیایی سفر، تجارب طول سفر و... به برداشت از همیت و فرهنگ ایرانی تأثیر آمده و در سفرنامه‌های خود آن را بازتاب داده‌اند. طبیعی است که تنوع سفرنامه‌نویسان و آمکان مورد بی‌بستگی و گوناگونی شخصیتی معرفت، رفتار، افکار و باورهای مدرسی که مورد دیدار و مصاحبه آنان بر گونه‌نامه، موجب شده باشد که تناول متعدد و احیای‌های خاصی و باورداشت‌های متداول از محتواهای فرهنگی ایرانیان ترسمی شود.

آنچه در قبیل آید، فهم برداشت‌ها و بازنماي تصویربرنگی است که سفرنامه‌نویسان دوره پادشاه‌های میهن‌های فرهنگی ایرانیان بازتاب یافته و بی‌بستگی‌های‌های آنان بر اروپاها از ایرانیان را بر هم نهادند. در احصای محتوای فرهنگی، می‌توان صفات و شناسایی‌های فرهنگی ایرانیان از نگاه سفرنامه‌نویسان را در دو دسته مثبت و منفی تقسیم‌بندی نمود. در این فرم، ضمن بررسی‌های از تمام جهان فرهنگی ایرانی در برداشت سفرنامه‌نویسان، به نقل چند نمونه از دیدگاه آنان اکتفا می‌شود.

الف) ویژگی‌های مثبت

مثنوی آن تصویرسازی مثبت، آن دسته از شناسه‌ها و صفات مثبت، قدردانی و قابل قبول ایرانیان است که سفرنامه‌نویسان در آثار خود احساسا و در معرفی ایران و جهان ایرانیان اشاعه نموده و بیان شناخت خوانندگان خود از ایران را بر آن پایه بنا نهادند. مهمترین معیشه‌های مثبت فرهنگی ایرانیان که در سفرنامه‌های مورد مطالعه متعکس شده، بدون لحاظ تقدم زیر به شرح زیر است:

الف-1- سلسله و مدارای دینی

یکی از صفات برجسته فرهنگی ایرانیان که در تعداد زیادی از سفرنامه‌ها مورد اشاره واقع شده است، اعتقاد و اتباع ایرانیان به سلسله دینی و مذهبی هم در قبال یگانگیان محقق در ایران شامل تجار، سفر و سیاحان و هم در برای ایرانیان مسیحی، یهودی، زردشتی و کلاً اقیمت‌های سفرنامه‌ها دین و مذهبی متواوت از مذهب غالب و حاکم.

* نتیجه‌گیری کنونه هر سفرنامه در بخش سکیمه‌های آن‌ه‌ا است.
یعنی شیعه دوارده امامی داشتند. چنان ویژگی‌ای نشان می‌دهد که مساله همویان
سالمت‌آمر دیگی و مذهبی، در حالتی که اروپای متوجه به تازگی عصر تفیقی عقاید را
سری نموده و یا هنوز آثار و پیامدهای منفی آن بر اروپا سایه‌انداز کنده، چنان چه میزان
برای سیاسان حانی توجه به و همچنین نشان از حرفه‌ایتی ذاتی دین اسلام، مذهب
تشیع و روح متساهل ایرانی دارند که در پرداختن زمانی آن را به دفعات آزموده‌اند.
شانزدی آن اشاره به دو هنگ قبیل مثل‌یا مذکر می‌شود:
پروپتستان‌ها اروپایی مقیم ایران نزد خود در کمال آزادی و به راه و شیوه
خوشش به درگاه خداوند بنگی و نبایش می‌کنند و در سرآمد آسیا و در نزد
سالمت‌آمر عهد اصلی به ویژه دین محمدی این روش خردن‌دانه و این عادات و
شکفت و جور دارد که همی کس را مجبر کنند به سیاست و مساجد برود و به
هرکس اجازه می‌دهند که بر حسب و جردن خود قدم بردارد... و این جنب‌یوز
که در نزدیکی سیاسی مسلمان‌هدهد تمرکز (کروپس، 1380، 140).}
روش‌گاهی یکی دیگر از سیاسان، درباره‌ی شاه‌مندی در ایران می‌گوید: «برداری
ایرانیان در امر دین و تاب اوردن عقاید دیگران در آن‌ها چنان زیاد است که در ایران
عبوری‌ها، یهودی‌ها و گیرا افکار و عقاید خلاف اسلام آموزش می‌دهند، بی‌انکه
کسی در اندیشه آن‌ها برآید با دوست مومی دیوانی‌شوره (1378: 135 و 142).}
موادوله حاکم یزد بی‌اینکه یک مسلمان متعصب می‌باشد، از روزی که حکمران یزد
شده با زردشتی‌ها بر خوبی رفتار کرد به طوری که هنوز کسی زردشت‌یا را آزار
نیم کنند باید زردشتی‌ها یزد را بهترین دوست و حامی خود می‌دانند،
(۱۳۷۵: ۲۴۴ و ۲۴۵).}
کمیفی نیز از نیک‌رفناری با عیسویان در دوره شاه عباس صفوی سخن می‌گوید: «در
دوره شاه عباس دوم به هیچ روه بدرفسایی با مسیحیان مسر نبود (۱۳۶۸: ۳۹).
گروهی، ویشترد و اولانربوس نیز با عبایات مشابهی به وجود تساهل دیگی و
انعطاف‌پذیری و اغماس ذاتی مذهب شیعه در مقایسه با سایر ادیان و مذاهب مشرق
زمین اشاره می‌کنند (گروته، 1369، ویشترد، همان: ۱۷۷ و اولانربوس، 1380، 95،۱۵.
شیل، همان: ۱۵۴). بدنی تریب تساهل، انعطاف‌پذیری و آزادی دینی در ایران آن زمان،
به مثابه شناسه به‌جسته و عالم ایرانیان از سوی سفرنامه‌نویسان به تصویر کشیده شده
است.
الف-۲-دین‌بیماری
از جمله ویژگی‌های فرهنگ و هویت ایرانی که مورد احتمال سفرنامه‌نویسان دوام می‌بیند، دین‌بیماری و خدای‌نوری ایرانیان است که در تمام ابعاد و زوایای زندگی آنها و در امور جزیی و مهم و شرافت عادتی و نیازی نمایان بود. دین‌بیماری ایرانیان، مظاهری داشته که از اوراد مذهبی روزانه تا شرکت در مسیم و آینه‌های دینی و مذهبی مانند تاسوعا و عاشورا، زیارت قبور اولیای دین و مذهب، برگشت اعیاد دینی، تکریم بزرگان دین مثل امام اطهار(ع) و پیامبر اسلام(ص) را شامل می‌شده است.

همه این باورها و رفتارها به مثابه نمودهای دینداری، مورد مشاهده، تایید و تقریب سفرنامه‌نویسان قرار گرفته است (سرنا: ۱۳۶۲:۱۰، لایه‌اند: ۱۳۸۲:۱۰، چریک‌گزار: ۱۳۶۲).

اما در خصوص مشارکت مردم در مسیم عزاداری امام حسین(ع)، جنین نگاشته است:

در طول راهی که به کاروان‌سرا ختم می‌شود پرچم‌های سیاه بزرگ و بسیاری را بر بالای چوب مشاهده کردم که از پیاده شدن برای برپایی تعزیه و عزاداری امام حسین آماده می‌بودند. یاد مصیبت شهادت امام حسین در ایران توان عزاداران بسیار با توجه سری‌آی و شیب‌سازی مسیم به تعزیه زندگی داشته می‌شود (همان: ۱۳۸۲:۱۰).

ادوار براون از پیایی خود از دین‌بیماری ایرانیان را به شرح زیر ارائه و است:

ایرانی‌های مسلمان مسلمان هستند و عقیده آنها به اسلام واقعی و حقیقی است. نباید تصویر کرد که چون ایرانیان در زندگی زندگی مسلمانند که امروز عقیده آنها باطلی نبوده‌اند (براون: همان: ۱۳۸۲:۱۰). کمیفی نیز از شدید علاقه و اراده ایرانیان به اسلام (ع) نوشته: حالات انتخاب و تعظیم ایرانیان برای بیان مبنا از هر کشور است به خصوص آن یکی دیگر از ویژگی‌های این کشور از روح‌نشانی، دین‌بیماری و خدای‌نوری ایرانی است و از نظر سفرنامه‌نویسان این دوره، مورد توجه قرار گرفته، به‌معنای‌نوازی نوع دوستی، خوش‌روی و خوگردگی ایرانیان است که همگانی بیداد ادعاً داشته‌اند.

الف-۳-خوگردگی و مهمان‌دوستی

یکی دیگر از ویژگی‌های این کشور از روح‌نشانی، دین‌بیماری و خدای‌نوری ایرانی است و از نظر سفرنامه‌نویسان این دوره، مورد توجه قرار گرفته، به‌معنای‌نوازی نوع دوستی، خوش‌روی و خوگردگی ایرانیان است که همگانی بیداد ادعاً داشته‌اند.

۲۸
اگرچه هر یک از سفرا نویسندگان از پیام‌های حکبی‌زاده دیدن نمودند، ولی بر آن‌ها ارزیابی آن‌ها حکایت که این ویژگی مختص مناطق خاصی از ایران نیواده بلکه صفت عمومی ایرانی است.

شاردن از همان آغاز این خصوص در بین ایرانیان برگشت دیده و پا‌دار شده است:

آنچه پیش از هرچی در میان عادات و آداب ایرانیان سادات به شایسته است,

انسان‌دستی و مربوط به آن در حق بیگانگان است: پذیرایی و ادبیات که
از بیگانگان می‌گردد و مطبوعاتی که دربار آن دارد، می‌حاکیست، این‌گونه که
همه مردم، بر پایداری و عظمت نظر آنان در تیاله‌های که خدود ناحص و کادعش
مستمر، و حتی مفهوم‌شناسی درهم در خروج می‌پیوند استخوانی، همان: ۳۷.

پولای در این مورد نوشته: ایرانی دوست دارد مه‌مانی دهد. فردوسی‌ترين
نوکران نیز حاضر است تمام حقوق ماهیان‌اش را صرف پذیرایی از دوستان کند.

(پولای: ۱۳۶۸: ۲۰) براون نیز به طور مشابهی در وصف مه‌مانی‌نوازی ایرانیان نوشته:

میزان فوق عاده علاقه‌مند است که به مه‌مانیان او خوش‌بگذارد و تمام وسایل واحی را برای آن‌ها فراهم می‌کند (براون، همان: ۱۸۸) و سر انجام اولتراپوس در همین رابطه
نوشت: ایرانی‌ها داند افرادی متواضع و فروتنی هستند و نسبت به دیگران بی اعتنایی
نشان نمی‌دهند و با خوش‌خوانی و مهربانی با یکدیگر به ویژه بیگانگان روبرو
مشود. هنگام تعقیب‌کلیمات مؤمنه و مسئولیت‌های بنا بر می‌رود (ولتراپوس، همان: ۲۸۹)
علاوه بر مردان پادشاه، قنسال دلی در مورد این خصوص ایرانیان از سوی
سفرا نویسندگان دیگر مانند (شیبل، همان: ۲۵-۲۶، بل، همان: ۸۵، کرویس، همان: ۴۷,
گروه، همان: ۶۲-۶۳، دمروگان، ۱۳۳۵: ۲۰۴، کولپررایس، ۱۳۶۶: ۴۶-۴۷ و یویارد،
۳۲-۳۳: لایارد، همان: ۴۵) نیز گزارش شده است.

الف-۴ علم و عالم دوستی

روح ابریائی چه قبیل از ورود اسلام به ایران و چه پس از ظهور اسلام، گرایش چدی
به علم‌نوردی و دانش‌پژوهی داشته و پرورش دانشمندان بزرگ در رشته‌های گوناگون
علی مثلاً طب، ریاضی، شیمی، فلسفه، نجوم، علم دینی مثل قهر، تفسیر ادبیات عرب
و انجام کارهای ارزش‌ده که بدون پایه‌های قوی علمی غیربزرگ می‌نمود، غواه صادق آن
است. این روح جستجوی دانش و نگریم دانشمندان و اساتید، مورد تأکید سیاسی که
در عصر صفوی و قاجاری از ایران بازید کرده‌اند، قرار گرفته است. هر چند شیوه
آموزش و فراگیری علم در مقایسه با اروپا مورد نقد جدی آنها نیز واقع شده؛ اما
کاستی‌های حفظ‌وی و روش نظام آموزش و تعلیم و همبود، گردد که روح دانش‌پژوه ایرانی اندکار نیست.

تأویلیه در این مورد می‌نویسد:

اولاریوس، ارزش سوادآموزی و کتاب نژد ایرانیان و ارج‌گذاری مقام عالمان را چنین روایت می‌کند: "ایرانیان به کتاب اهمیت ویژه‌ای داده‌اند... کنترل ایرانی‌ای دیده می‌شود که خوارزمی و نوشتن ندانند بدان در نظر گرفت. این در کدامیک از اجتماعی قرار دارد، زیرا ایرانی‌ها فروندان خود را حتی زودتر از معمول به مدرسه می‌فرستند. مسالمت آنان که مرجع عبادات است مدرسه نیز هست... در ایران به دانشمندان ارج می‌تهیه" (صص ۲۸۰–۲۸۱).

دلاوراله در نگاهی مقایسه‌ای بین ایرانیان و سایر مشرکان و اروپاییان می‌نویسد:

"اصلآ ایرانیان نسبت به سایر مردم منطقه‌ای تمایل زیادی به مطالعه دارند و مردم آگاه و عالماند معه‌دکاری فکر می‌کنند به هیچ وجه به شیء دانشمندان اروپایی نمی‌رسند" (دلاوراله، ۱۲۸۵: ۲۱۹). "تکوین به تقل از دارند. روح علم آموزی و تکریم عالی‌مان را سریع‌تر در ایران معرفی کردند. ایرانیان در سراسر عمر همیشه خود را وقف این کار می‌کنند. اگر آنکه ازدواج، تعداد فرزندان، اهمیت مشاهیر و منصب‌ها حتی تهیه‌سی آنان را از این راه بار دارد" (صص ۸۸).

الف-۵ شردوشی و شاخص روزنگی

از جمله‌های که به عنوان شناسه روح ایرانی، مورد اعماق نظر سفرنامه‌نویسان قرار گرفته‌اند، طب بند شعراً با مضمون‌های انسانی، اخلاقی، دستیایی، عاطفی‌محاذی و تکریم شاعران برج و فراخی ایران زنین است که آثار شگوک در زندگی روزانه ایرانیان از خود بی‌بای گذاشتند. گستره فنون شعر و شاعران در ساخت زندگی ایرانی، به‌حذی‌بود که اندکی توافقي در بین ایرانیان در این کشور محسول شده‌اند.
آنان، در بحثی که بیانکی‌ها از آن تأثیر آن واقعیت می‌ساخت، از این رو، بسیاری از آن‌ها به روح شعرای ایرانیان و مکانیک شعر در بین آنان اشاره کردند.

لایه‌ای که خود از ندیمی شاهد اثری شعرخوانی حساسی بر روح و جوان ایرانیان بخشی شده بوده، چنین می‌نویسد: «بارها در قرارگاه محدودی خان شاهرخ و ناظر مراسم شعرخوانی بودم و روزی هرمین‌هایی، که خوانندی آن‌ها و سرودن‌هایی را نشان داده بود صدای شاعری الّاً‌یت‌فزٌّگی‌ایزاًیاى‌در روی مردم که همان‌نماهی بخشی‌ای گذارد و آنان در چنین مواقفی حاضر بودند نکلد را به آب و آتش بزنند و با دشمن مهاجم در هر جا و هر موقع به جنگ و ستیز بپردازند» (صف ۱۶۹).

تاورنیه، برغم ناتوانی در دریافت مضمون‌هایی در مورد شعر سعدی و حافظ و بدون توجه به ناحیه‌ها، استعاره‌ها، تشبیه‌ها و سایر آیات‌های ادبی به کار رفته، در آثار این شعراء شعر و ادب فارسی و توجه صرف به تشای ظاهری و لغتی و از هنرمندان، شراپ و مانند آن، به دلیل می‌گوید: ایران‌یان علاقه‌شان را به شعر دارند و شعر ایشان معلوم تا مضمون‌ها و سرشار از تشبیه‌های جالب است (صف ۲۶۲).

و افراطی در ضمن اشاره به چاپگاه سعدی و حافظ و سعدی و مسلمان دیگر، کشورها و اهمیتی که برای کتاب گلستان و قانونی، می‌نویسد: «سعدی نزد ایرانیان محرز است البته اگر این شاعر بزرگ تناهی اختیار به ایران نمی‌شد، بلکه در نزد هر یک از سعدی و حافظ و نیز افراد و مسلمانان آسیای این صاحب اختیار است. گلستان از طرف تحریم و شفیقی در دل کشور چنین و نیز افزای نظری افراد خودان می‌شود. هر چا که جوانان محمص در مکتبی گردیب، به شنیدن گلستان حکم در آن نه شمار می‌روید» (صف ۱۲۳).

ساپوری نیز بی گفتاری مشابه مکانی و بالایی حافظ، سعدی و وردوسی در میان ایرانیان را تصویب نموده‌اند (درویل، همان: ۹۲-۵۹، جکسن: ۱۳۵۲، ۲۷۲-۲۷۳، ۱۸۳۹، دابلک، همان: ۱۳۶۳، ۱۱۴، اولن‌پروس، همان: ۲۰۰۲، پولاک، همان: ۱۸۹ و دلاویل، همان: ۱۱۹).

الف-۶ دیستنکی به مؤلفه‌های هیویت ایرانی

جهان ایرانی در طول تاریخ، در معرض امواج سهمگین و بین‌المللی‌های هویتی قرار گرفته، وی به دلیل بهره‌مندی از ظرفیتی بالای خود، توانست بارز و پایدار با پایداری بهتری گرانه، ضمن حفظ ریشه و ایالیت هویتی خویش، از راه‌هایی مثبت و حیاتی وارد به‌هم‌بندش تا با برآمدهای ایشانی، آن را به‌یادهای هویتی خویش افزود، چنان‌که گرانه‌ها که هیویت ایرانی در برخورد با اسلام آن را نجاتبخشی معاصر و تعالی آفرین.
یافت و به‌منظوری و سازگاری هوشتم‌دانهای بین مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی به
عمل آورد و با آغاز بازه‌ای از استقبال آن شناخت و سازه‌های مربوط به ایرانی - اسلامی
را به همکاری معرفی کرد. همچنین، گاهی می‌ظفرت و هاپسم‌های فرهنگ، تمدن و فرهنگ
ایرانی چنان بر هوا نازه آورد و مهیج سکیگی کرد که چاگاره جد تسنیم در برادر
گنای هواپیماس و فرهنگ ایرانی نیافت. سرنشست مهاجمان مغول در قبال هواپیمای پرقدست
ایرانی از این نمونه است.

آغاز عصر صفوی، از این رو که ایران در برادر ترک‌های عثمانی، تاریخ‌های آسیای
مرکزی و هواپیمای تاب‌هدرنی این خیمه را به دو گذاری نمود، طول بر
عصر جدیدی را به نوید می‌داد؛ اما از نمایه این دوران، جشن‌نامه‌ها و
نهایت و ناکام‌های نمایان گردید؛ به گونه‌ای که در دوره فارابیه رکود فرهنگی، ناولایی
سیاسی، اقتصادی و نظامی به واقعیت انگارناب‌پذیر مبدل گردید. در نتیجه بار دیگر
آگاهان تاریخ ایران در برادر این پرستش جدی قرار گرفتند که این بار هواپیماس ایرانی در
مواجهه با تلاطم و مخاطرات ستیزی تجربه نشده‌اند؟ و
جهان ایرانی چگونه تعلق خود را به هواپیماس حفظ خواهد نمود؟

سپاهان از جمله افرادی بودند که هم با نگاه به گذشته و فروند هواپیماس ایرانی
و هم با توجه به شرایط موجود، سعی کرده در دیافتن خود را از موضوع میزان تعهد و
دلبرگی ایرانیان به مؤلفه‌های هواپیماس ایرانی عرض نمایند. بدبی این است که میزان توجه
و اهتمام ایرانیان به دلیستگی آن‌ها، اسطوره‌ها، مشاهیر، نمادهای ملی، آگاهی از
سرگذشت و تاریخ ملی، کاربرد زبان رسمی ملی، احساس استقلال، استادگی
برمیزه‌ها و آموزه‌های فرهنگی ملی، دفاع ازسرزمین و تسنیم‌پذیری در برادر هجوم
بیگانه و غیره، از مهم‌ترین شاخص‌های دلیستگی به هواپیماس ایرانی به شمار می‌رود.

بتاییان در زیر به جنگ نمونه از تعلق ایرانیان به هواپیماس خود اشاره می‌کنیم:

چریک در باب اهتمام ایرانیان به دلیستگی نوروز می‌نویسد: «عبد
نوروز برای مردم عید یزدی و محترم و معزی وداع، از این یک
مشابه می‌گوید: با اینکه در این دوران از شکوه و عظیم‌های نوروزی کاسته
شدید و در بسیار عجیب نظر می‌رسد که این چنین می‌باشد، در این ملعا شده.
همانند: 95 و یاد عید نوروز را نه این جشن معتبر و مسلم در ایران و یزدی‌ها حادثه
در زندگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی معرفی کرده است. بدبی این یک ایرانیان و
و جشن آن را با شکوه از این تجربه از دیدگاه می‌دهند. در ایام عید نوروز حتی

۲۶
پیامدهای نیاز رینهای خود را برای مدل کوتاهی فراموش می‌کنند (همان: 222-224).

قابل ذکر است که آری سفرنامه‌نویسان نیز به طور مشابه متعدد ای‌ن موضوع گردیده‌اند (گوییند، کمپر، همان: 183، اولتاریوس، همان: 77). لقب حانی توجه این است که به‌گونه‌ای‌که نوروز هیچگاه با تکریم ابعاد دلیل و مذهبی مانند فطر، فرسان و غیر تقابل نیافت بلکه هر یک به عنوان جزئی از تاریخ و شناسنامه ملی ایرانیان مورد توجه واقع شد.

زبان ملی و میران کاریست و تعلق به آن نیز یکی دیگر از شاخص‌های دلیل‌هایی به عنصر هویت ایرانی است. در مقطع زمانی مورد بحث، اگرچه از یک زاویه، دوستان آغازین نکوین دولت ملی به مفهوم توین آن بوده و هنوز اخوان سیاسی‌یا سیاسی به‌جای میران کاریستن، مورد تحقیق و تحلیل، اما مشاهدات سفرنامه‌نویسان حکایت از پوشش گسترده زبان فارسی در جغرافیای ایران و حتی فرآیند از ایران تا هندوستان و بخش‌هایی از چین دارد.

دلاوایل درباره کاریست زبان ملی می‌نویسد: "زبان فارسی به عنوان زبان اصلی کشور چنان مورد احترام است و چنان تعصبی نسبت به آن اعمال می‌شود که نه تنها در کلیه نوشته‌ها و کتاب‌های جالب به خصوص دیوان‌های شعر بله به‌طور تمام قرارداده‌ها و نوشته‌ها و فرامین و احکام ارسالی شاخص و بالاخره تمام امور مهمه کشوری و دولتی از زبان فارسی استفاده می‌کنند (همان: 132). به گفته نادری: "زبان رسمی دیوان مولک کبیر و پادشاه کلکته و پادشاه پیشمار زبان فارسی است، در این سه دربار اگر نبا راجال و محتارمی، کسی به زبان هنده حرف بزند به شهر و شرافتشان برخی خودند و آن را نسبت به خود یا احترامی فرض می‌نانم و ابدا به زبان هنده جواب نمی‌دهند، حتی اگر آن را به خوبی بدانند" (همان: 59). در گزاره‌های مشابهی از سوی کمپر، درویل و کرویس نیز روایت شده است (کمپر، همان: 167-169، دورویل، همان: 59).

یکی دیگر از مؤلفهای هویت ملی، آگاهی ایرانیان از تاریخ خود و اشراف به فراوانشی‌ها و تحولات تاریخی آن است. گوییند در این مورد می‌نویسد: "در ایران به‌ هر کس و از هر طبقه به خود نمانند مشاهده می‌نمایند که نتایج کشور خود را می‌دانند... ایرانیان دانسته و ملت‌های مختلف از جواهر تاریخ را دوست می‌دارند. ملت ایران فقط خواهان سرگشت‌های تاریخی کشور خود می‌باشد و متألق به تاریخ فرانسه یا اطاق‌های ایلام ندارند" (همان: 55).

روش‌ها و پیامدهای مطالعات تاریخی به دلیل‌های ایرانیان به هویت ملی خود

77
اذعان نموده: با تکیه‌ی یک تاریخ خواستم تاثیت کنم که ایران‌لی یک هم‌نژاد ما اروپایاند. یک زمان‌های بسیار دور تاکنون بر رهی خود استوار مانده، نه بلالاپایی که ازدرون بر سر آنها آمد، نه بورشها و نشکرکاتی‌های اقومپهای، و نه هم آمیزی خونها و نژادها این احساس آزادی و استقلال شخصی که ملت‌های آربیایی‌ها از نژادهای زرد و سیاه ممتاز می‌دارند از دست ندایند (همان: ۱۲۵).

پویای نیز در ازبایی مشابه مدعی شده است که ایران‌ها با تفکیک حکومت و دولت و به‌رغم عدم دلستگی به سلطنت و ضعف و رکود فراوانی صنعت و امور مملکت در تهدید و دلستگی به نیاها کشور و تداوم حسن استقلال طالب، هیچگونه سنتی و فنی‌تری ندارند. ولی چنین می‌تویسد:

در هجج کجا اثری از محبت و دلستگی به شاه و ناج و تخت دیده نمی‌شود.

صمت در حال کساد است زیرا با پیشرفت‌های ارتباطی نمی‌تواند. وقتی که از این همه می‌توان استنتاج کرد که به‌مرور زمان این ملت‌ت از طعم‌وخصوصا آنها خواهند شد... اما نسایی‌ها از طرف دیگر مطرح است این است که آیا این سرزمین‌ها مایه مرمت‌زاده می‌باشد یا جنگی می‌باشد. می‌تواند به‌یعنی و با توجه به مقدم‌ترتیب نظم و اسم مبنا به دلخواه برقرار کرده. فاقد با ملت مشترکه‌حکومتی چه تفاوتی می‌یابد؟ و آن که در مردم خطره‌افزار از دست نگه‌دارد داد و خطر از کف دادن ملت‌های نیاها یارای مقاومت در ملت‌های نیاها خواهد. ساخته (همان: ۱۲۴).
عومومی از آن‌ها، تجدید استیاد، جلوگیری از اعمال ظلم و احتجاج متأمّرون و عملی
دوست نسبت به رعایا، انجام امور امورشیخ دیگر، قضای جامع و واکنش مردم نسبت به
پی ارتقاء حکومت، نسبت به آن‌ها، همگی از جمله نشان‌های مرجعیت
رواحانی به شمار می‌رود. چنین جابجا‌ها نمی‌توانست از اهداف کننگی سپاهان
تحصل کرده مکوم بماند. در نتیجه، یکی از برچسب‌های موضوعی که تقریباً به اجماع
مورد توجه سفرنامه‌نویسان قرار گرفت، مرجعیت همه‌گانی روحانیون در جامعه بود.
گروه‌های اخیر اقامت حکومتی روحانیت به موازات‌های سلطنتی، یکی از عوامل
همه پیروزی نهضت مشروطه را حضور روحانیت در میان این حکمران‌های میان‌میدن
وی چنین می‌توانست: در ایران این روحانیت است که افکار عمومی را می‌سازد و امور
عبایدی، امورشیخ و قضایی را در دست دارند. هم‌چنین نیروی تاثیری در دست روحانیت
شیعه متمرکز بوده است... یکی از عوامل پروری اقلاب مشروطه این بود که
بخش عظیمی از روحانیت از مردم جانبوداری کرده (همان: ۱۲۰).
وی در فرازی دیگر، بر نقض‌های شیعه در تشکیل دولت ملی و تحمیل
هم‌سیستم ملی ایران تأکید می‌کند:

همین مذهب شیعه بود که من ارائه کرده ترک موجب مشروطه کرده و بپدید آمدان
دولت ملی را فراهم کرده و نظر به عدم مخلقت‌ها پیش‌نشست و فلسفه در پیدایش
افکار مشروطه‌خواه و مشروطه‌خواهی و انسانی‌های دانست مذهب تیپ‌گذاری‌گاهه
نهاده است که می‌تواند، می‌تواند و نزدیک و خاص شیعه ایران را جوان
فارس‌ها، ترک‌ها، استر، کرد، تاتارها و بلخ، این مطبوعات کنید. عزیزاده‌ها و سایه‌ای‌های
موجه تقسیم‌بندی حسن هم‌سیستم ملی می‌گردد (همان: ۱۲۳).

پول‌ها با اشاره به این‌گونه روحانیون در میان طبقات فرود است جامعه، یکی از آن‌ها
بازدارندگی از ظلم و ستم دولت‌ها و کارکرد حمایت‌گران برای محرومنین قائل است.
وی بر این باور است که: با هم‌سیستم ملی و ستم‌های طرفداران طرفداری در دانست اما
دولت‌ها از مراکش طرفدارن زبرا می‌توانند قیام و بلخ بر پا کنند. به هر حال این بود
نیم‌توان منکر شد که ترواوات از آن‌ها و سه‌های این است که استیفاده و ظلمی وزورگویان را تا
اندزهای محدود و تعیین می‌کند (همان: ۲۲۵).

گویند نبی عظیم‌شناسه بر نقض محدود و مقداری که قدرت دولت ارزوی روحانیت
صحت می‌گذرد و می‌گوید:

اگر کسی که ایران دارد حکومت استبدادی است می‌بایست همین کنون برخلاف
دولت‌که دارای دیکتاتور بوده و مستند شاه ایران نمی‌تواند، آزادانه به مال و چنان و
ناموس مردم تعداد کند و حکام و وابسته‌ها هم‌آنی‌ها تسویه کنند و
نیمی نیز از آزادانه به مال و جان مردم تعداد نیم‌آنی نزول‌آوران و
تجار و کسی قدرت‌دار، به تغییر نهایی در مورد دیگر
همان وقیه‌ها را که پارلمان در کشورهای مشروطه انجام می‌دهد، ممان واقعیت‌ها را نیز
عمرایی روحانی و بایگانیان و اصناف در ایران انجام می‌دهد (همان: 33).
علاوه بر موارد ذکر، سفرنامه نویسان زیر نیز به جایگاه تهیه‌ای عنوان
مهم‌ترین مرجع اشکار نموده‌اند (کروپس، همان: 98، سنین، همان: 193، فیگورتو،
همان: 104، لایارد، همان: 126، وامبر، همان: 187، شیل، همان: 117 و کمپر، همان:
121، ریشه‌شن، همان: 96 و 97).
الف- 8- فرهنگ گنگ در ایران
یکی از ویژگی‌هایی که توجه سفرنامه‌نویسان را در مدت بی‌دردشت از ایران به خود
جلب نمود، عفاف، نجابت و حجاب زنان ایرانی بود. اگرچه برخی از سفرنامه‌نوازان با
اعتقاد به برتری و فروکر زنان غربی، بر این باور اصرار داشتند که حجاب معنای ترقبی و
پیشرفت زنان و به طور کلی جامعه ایران بوده و هست، اما واقعیت حجاب و عفاف به
عنوان مشخصه زن ایرانی، در آثار آنان به صرفه‌انگیزی یافته است. به عنوان نمونه،
دلاولاه می‌نیزد: «زنان مشترک مسیحی عادت به چند دارند و فرهنگ رؤی خود را
نمی‌گشاود» (همان: 5438) ناورتیبه بالارسی‌ها مشابه حکایاتی از غیرگوینده مورد ایروانی
دارد، می‌نویسد: «ایرانیان اگر بخواهند به خویی می‌توانند شیوه‌های بلورین شفاف
بیانند، اما آنها را به گونه‌ای می‌سازند که زنان در اندرون خانه از پشت آنها دیده
نشوند... این نگاه و برنامه برگزی برای زن است که چهار به حجاب‌های را کسی بپیدا»
(همان: 37-38).

ب) اولتاریوس نیز حجاب زنان در ایران را اینگونه روایت کرده است: زنان هنگام عبور
از گذرگاه‌های عمومی نمی‌گذرند. صورتشان دیده شود و از سر تا پوزک پا را بوسیله
چادر می‌وشانند» (همان: 287، مشاهده‌های دیگر سیاحان نیز گویا مدعای پادشاه اسکندر

برداشت‌های منفی و تصویرسازی‌های نامطلوب از شناسه‌های فرهنگی ایرانیان و
انتقال و انعکاس آن به اروپاییان، می‌خواهید رکیکی از محناوی سفرنامه‌هایی است که در این
دوره به رشته تحرییر درآمدند. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، ذکر این صفات به

50
بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در...

ب-1- خرافکاری و تکذیب‌پذیری

سیب زیبایی از سفرنامه‌نامه‌سیستمی با استناد به رواج طلایی، جادوگری و بالغ ایرانی، اعتماد زاینده‌ریز مورد به منتجمان برای نشان دادن زمان حضور‌یافته با نام‌ها است. 

لواحقه، عده‌های ملی‌های منفی فرهنگ و هویت ایرانی به شرح زیر احصای شده است:

برنجته و ریشه‌نگاری در جهان ایرانی است.

سران چنین اشاره می‌نماید: ایرانیان که سخت جهان مذهب‌های به‌درد از سرنوشت خوش قرار گرفته باز خود از این بدنه‌های سخت به سخت، می‌توانند با شاهدی بی‌ارزش که که مشتی یا پی‌نمونه‌هایی از این اتفاقان بهره‌مند می‌گردند 

وی می‌خواند (همان: 132)، شیل با توجه به بروز طالع‌پیمایی، آن را نشان‌دهنده خراف‌گرانی ایرانیان دانسته است. 

وی می‌نویسد: «سیب‌زیبایی از مردم ایران به صورت مضحکی به طالع‌پیمایی اعتقاد داده و کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که به راوی انجام کارهای مهم بدن توجه به ساعت معدن اقدام کند و یا از فعالیت‌های تعصبی و تخمین‌گیری آتی خود استفاده نماید (همان: 55). سررافت و می‌توان به ارزیابی کروی انتشار که کم‌گیت، می‌کند نیز از منطقه مورد مطالعه ایرانیان امروز 

که کاره، هواسپور و دنیبی بوده و بخشی و تفکر می‌گردد (همان: 222). مضاف بر این نمونه‌ها، این صفت ایرانیان از طرف دیگر سفرنامه‌نویسان نیز گزارش شده است.

تیوگرها، همان: 25، دل‌قوله، همان: 110، صورتی، همان: 64 و کمیف، همان: 70.

ب-2- تجربه گرانی

تجربه گرانی، ولخرجی و تعبیر که متأخر آن، اغلب رفتار درباریان، شاهرودگان، خوانین و سلافیان محلی بوده، از دید سفرنامه‌نویسان، به عنوانی عصر فرهنگ ایرانی مد نظر قرار گرفته است. غافل از آنچه اکبریت مورد در تغییرات فقر و قفه 

رورگان سپری می نمودند و اندازه‌بین انکشافات براً که از تبدیل محدود باشد. با این همه، برخی از سپریان با تعبیر نابجا، به این شناسه ایرانیان اشاره نموده‌اند.
دانه‌که یک‌ک از آنان می‌نویسد: «در ایران تجربه و ولجویی به‌جهت افزایش می‌رسد. بزرگداشت در ساز و برگ خود به تجربه می‌پردازند.» و از داشتن عده‌که از ما می‌دانند که خود می‌پردازند (نازی‌نی، همان: 387). بکی‌گار به‌مثابه مشابهی می‌نماید که من در هیچ‌یک از نقاط جهان ملتی را فردیم که از لحاظ کنتر آمدان، نمایدکه را دیده حقارت‌بندگی و اغلب بزرگداشت خود در صورت‌خراف و در صورت‌خراف تغییر نماید (گوییند، همان: 391). دکتر ویشنر نیز با توجه به القاب و عبارات طول طول در نگارش نامه‌های فارسی نشان می‌دهد که از روح شریعت‌های ایرانی حکایت دارد. می‌نویسد: «نوعی نام‌های فارسی علاوه بر آنکه وقت زیادی می‌گیرد، شخص باید رعایت آداب و اصول و شرایط‌های را بداند و بر اساس فارسی پیش از حضور مسلمان باشد و (ویشنر، 1364: 185-191). کاران سرنا نیز از ایران به عنوان کشور شریعت‌های عالی و مطلق یاد می‌کند (همان: 379).»

پنجم: کاری و دوره‌یی پنهان کاری و ظاهر سازی، از دیدگاه اکثر سفرنامه‌های ایرانی از جمله‌ی خصایص عام فرهنگی و رفتار رایج ایرانیان شمرده شده است. به عنوان مثال کروپس، اگرچه بر وجود این کشف در بین درباریان تأکید دارد، اما با تحقیق آن به همه ایران‌خواندند: «نام‌های کاری» که در این کشور انجام می‌گیرد خداحافظ و نزدیک تمثیل است و در این درباره‌ی شریعت همچون زمست و نیازه و بر ارزونگی و ترفناد است (همان: 196). کمیفی برای بزرگ‌شناسی ساخت تاسیسات فریب‌کاری ایرانیان که حتی آن در ساخت جهانی مطرح می‌کند، می‌نویسد: «چیزی که نزد ایرانیان بیش از همه موجود و نفوذ است نمونه‌ی بسیار از جانب جوی و عیب جویی کردن است. آن‌ها حس و خروجی خود را در لفاضی از چالش‌های و چرخ‌زنی‌های متفاوت و خوش‌نظر‌های می‌پوشانند و از انتظار مستور می‌دارند. زیرا اینها در هن‌انکار و فریب‌کاری از هن‌کار و ملیت دیگری در روی زمین بردنمی‌تواند و فریب‌کاری‌ترین (همان: 170).»

علاوه بر نمونه‌های یاد شده سابقه سفرنامه‌های نیز به‌صرفه بدن‌ی موضوع اشاره نموده‌اند (سیو، همان: 112 و ابی‌گری، همان: 138، اولنیپوس، همان: 133، گوییند، همان: 10 و فیگوراو، همان: 403). در این رابطه، توجه به این نکته لازم است که صرف بایستد با ویژگی‌های شماری ایرانیان در تغییرهای نیز بدون ارائه تحلیل و شناسایی به تعیین

52
بنان صفت به برای ایرانیان مبادرت نموده‌اند. در این خصوص می‌توان ذکر نمود.
نخست اینکه اغلب قرب به اتفاق سفرنامه‌نویسان که از دریای و دستگاه دولت دیده نموده و شاهد شواه چنین صفحه در بین آنان بوده‌اند، صفت نامی اغلب دولتی را به توده‌ها نیز تسری داده‌اند و دیگر اینکه برخی تطبیقات حمایتی و آسیب‌های احتمالی که به کرات از ناحیه دستگاه فاسد دلسه توده‌ها اعمال می‌شد، آنان را تأکید از تحقیق و کمک‌های واقعی خود می‌نمود و ابن رفتار برای سیاسی‌ها، صفت پنهان‌کاری و دوربردی را تداعی می‌نمود.

ب- پنداشتهای سالاری
در نظام سیاسی مربوط به نظام اجتماعی سلسله‌مراتب وقت ایران که فاقد هرگونه نظام نهادی و قانونی انتخاب، استفاده و گریبان کارگران دولت بوده، طبیعی بود که تقدیم روابط و ضوابط، از نظر علمی و علمی، گران‌پس قلم به صاحب منصبان و روابط شخصی فردستان بی فردستان نورچشمی، چاپگیران عنصر ضابطه‌مندی، قانون‌هایی، برخورداری از قابلیت و توانایی‌های اکسپ‌دار و تعهد و دانش با گریبان افراد گردید. این خصوصیات از سوی فرآیند را از توده‌ها اتفاق سفرنامه‌نویسان گزارش‌شده است. در زیر به چند نمونه از آن‌ها شاهد می‌شویم.

سرنامه می‌نویسد:
در ایران همه کسی نمی‌تواند به مقام فرمانداری برسد بلکه کسانی بدین مقام می‌رسند که توانایی برداشت مبلغی قابل توجه به مقامات بالاتر را داشته باشند (همان: ۳۱۱ و ۳۱۲).
روش‌های با عباراتی مشابه چنین می‌گوید: به کارگران افراد و دانه موجود در محل بیعت و منصب به عنوان شخصی نشناخته پرداخته‌اند، پس اگر مشروطه را بثبات خوش آید به شایستگی و کارداران لیاقت‌نیست، چنین سامانی ایران را از روز کار آمده یک بی‌عقو بی‌صدایی حاکم‌کننده نموده و کسی داشته، اما به گریبان ترسناک‌تری در انتظار است که پارتا پارتا و نورچشمی پروری است. چنین گمان‌گشایی نداره به اقبال مقدم و شیطانی‌های یا به کم‌کاری‌ها نشان‌دادن یک عشاق و نفرند ندارد. در این مورد رزمند (همان: ۱۱۸).

گوییم بر نقش ثورت و عنايت به شاخصه‌ها و ابزار در اعتیاد مناسب به افراد، اینکه
داوری می‌نماید: در ایران پست‌های حاکم‌متی با تقدیم رشوه و غیره بعثات ساده‌تر به وسیله خریدان به دست می‌آید (گوییم، همان: ۵۲) و به زمین کم‌کاری، هر کس‌های بی‌سبقه بذله و انسان‌ها و دین دیده را در رشوه دادن بهتر می‌نماید و مشاغل مهم دولتی را اشغال می‌کند (همان: ۳۵).
ب- ۵ - عافیت طلیبی و سامحه کاری
سال انجاری امور، راحت طلیبی، فقدان نشاط و کم تحرکی که از یک سو، خود معلول
وعامل عدیسه از سوی دیگر باعث یاده‌بایی مفهوم متعدد در جهان ایران است. از
جهل خاصی است که برخی از سفرنامه‌های پیشان به عنوان ویژگی‌های بارز ایرانیان
برشمرده‌اند. سرویس می‌نویسد: ایرانیان کارهای وسیع‌مدت مثل شکار و تفریح را بر
فعلیت‌های جدی، زیربنایی و اساسی سیاسی و دولتی‌پردازی کنند (همان: ۹۸۱-۱۳۸۸).

پیلاه آسوده طلیبی را در شرایط عادی و ویژگی غلب ایرانیان ذکر کرده؛ اما بر این
باور است که اگر شرایط دگرگونه شود و نیاز به انجام کارهای غیرعادی احساس شود,
ایرانی‌ها توانایی انجام آن را داراست. وی چندین می‌نویسد: ایرانی را اگر به حلال خود
بگدازی، بیشتر به آسودن رگیدن دارد اما اگر اوضاع و احوال وی را به جنیدن
پرانگیخت دیگر قادر به انجام کارهای غیرعادی است... (همان: ۱۸۸)، سرانجام
معنا را از کریست بیان نمود که به قاعده‌سازی عادم درباره میزانی از جمله ایرانیان
دست زده است. وی می‌نویسد: مردم شرق زمین بالطع نتبی و شل هستند و در نتیجه
هرجا حرج و رگیدن به ابتراها و اکتشافات تازه ندارند (همان: ۳۵۲).

ب- ۶ - فقدان روح نقادی در ایران
خصصه گذشته ستانی و فقدان روح نقادی در ایران که مطرح رکود علمی و رخوست
عملی و اشاعه ایستایی در جهان عمومی ایرانیان شد، در زمره می‌می‌هاپی بود که مورد
مداق سفرنامه‌های اروپایی واقع شد. اکثریت مزارعی بین خصیصه‌های احترام و تکریم
بزرگان علم، ادب و دین و فقدان روح نقادی وجود دارد. اما سیاحان بدن مرزنشینی
بین آن دو، به جاذبه‌پذیری به عنوان یکی از صفات بارز فرهنگی ایرانیان اشاره
نمودهاند. چنانکه گویی می‌نویسد: در ایران روح نقادی وجود ندارد و از هزار سال قبل
تا کنون، هیچ مقدمی بنده نشده است که بتواند فلسفه ایران را تغییر بدهد و با ادیبات را
تنقید نماید و یکی در کسی که سبک فلان شاعر و یا فلأن نویسنده بود بوده است... انتقاد و
منتقد در بین ایرانی قابل سرشن و حتی مورد نفرت است (همان: ۱۴۳).

ادوارد پروان نیز چنین یادآور می‌شود:
چکی از جهان‌ها که بین طقف و نظریک و فاضل ایرانیان مشاهده و مسد روز
می‌باشد، این است که پیشنهاد تخریبی و گونه‌گرد مقدام علم و ادب گذشته‌گان را
پای کنند، و مقام ادبی و علمی و معاصران را در قبال آنها نازچی می‌یافتهند. در
محافل و مجالس ایران و با در صحت‌های در نظر کردن کچانه‌کردن عیوب جویی، راجع

۵۴
به گذشته خیلی بزرگی است و ایران‌ها هرگز متوقف را نمی‌پذیرند. همه سی‌ویکی‌دار
که ایران‌ها شایسته کسانی مانند رودکی، فردوسی، ظهیری، عمرخیام، انوری،
سعیدی، حافظ، جامی و غیره به وجود باورند (همان: ۱۹۸).

۲- فساد سیاسی و سواد دولت و ملت در ایران

استبدادورزی، نابرابری به قانون، چنین امر جامع و خصوصی شهرودن،
بی‌همتی به زندگی مردم، بی‌تدبیری، نظرات نابایدی، و در یک کلام انحطاط
هم‌جانبه حکومت، از جمله می‌یک‌های ایرانیان است که مورد امنع نظر سفرنامه‌نواز
و اعلان شده است. گروه‌هایی این‌جایی که ضعف مفرط حکومت مرکزی ایران، روايت
می‌کنند که انحطاط و فساد چون لایه‌ای خیالی روی ایران کوچک تشکیل شده و تمام
جوان‌های نو را می‌خشکانند (همان: ۲۱۸).

سرتا با انگیزه اخلاقی استیصال و جلوگیری از خروجی‌های فراگری را همی‌بارز دستگاه سیاسی ایران معرفی
کرده و می‌نویسد: «حکومت ایران ممحص‌ا استبادی است و شاه مستقل از هی‌شورا یا
آین‌دادگی‌های مختلف ارژاب ارسل و زندگی اราคาی خود را در اختیار دارد»

(سرتا، همان: ۱۶۴ و ۱۲۷).

تاریخ استبداد و مطلقوگرانی فراگری را همی‌بارز دستگاه سیاسی ایران معرفی
کرده و می‌نویسد: «حکومت ایران ممحص‌ا استبادی است و شاه مستقل از هی‌شورا یا
آین‌دادگی‌های مختلف ارژاب ارسل و زندگی اราคาی خود را در اختیار دارد.»

(سرتا، همان: ۱۶۴ و ۱۲۷).

روش‌هایی که عمده سلامت سیاسی حکومت در ایران، به گزارش به
پیش‌گویی زوال و فتوح آینده آن برداخته است. امکان‌نواز
ایران در رتیف کشورهای استبدادی آورده می‌شود و شاگردان یک مستبد نیست
و کاسته که هر چه بی‌نوازی، می‌کند پی ناگه‌کی کی زدن جون و خر آتش. هنین
می‌باید که جان و مال ایثاریات حکومت اراده ایست و مال و مال کشور به او
تطلق دارد پی ناگه‌کی نظرات و پرس و جواب در کار باشد... زیرا و شکوه دوران‌های
پیش برای فرصة است... رژیم سلطنتی مرز آارد را به ارچه پوشیده‌ای مانند که
وصله پیش برهم‌دار. نارودی آن چنان سعی و پی‌چنان است که اوهون و محله را
تاب نارودی، غیار می‌شود و قرو می‌برد. (همان: ۷۵-۱۰۰).

علاوه بر این نمونه‌ها سفرنامه‌نوازی دیگر نیز این موضوع را توصیف نموده‌اند.
(گوینو، همان: ۴۹ کمیفی، همان: ۱۴، اولاریوس، همان: ۳۱۵، لایارد، ۳۴۵. ۳۵).

۵۵
پایه‌های نهضت شناخت ایران در اروپا، از نیمه دوم قرن هفدهم، با آغاز فرمانروایی
صرف‌ها و از طریق نگارش سفرنامه‌های سیاحتی، دانشمندان و سفارت‌داران دستی شکل
گرفت و در دوره قاجاریه نیز تداوم پایفت. سفرنامه‌ها اگرچه از زاویه ملی‌لرزی، جوان
از استقرار ناچیز به تعمیم و قیاس می‌رسند، مورد تقدیر و از نظر محتوایی نیز جوان
با معیار قرار دادن جهان‌گری اروپاییان، رفتار و باور ایرانیان را در تراژودی داوری قرار
می‌دهند و به وضوح از سوی‌های ارزش‌داوری و باعث تعصب و جانبداری
برخوردارند. مربعی به نظر می‌رسند؛ اما هر چه باشد در عصر آغازین ارتباط اروپاییان
با ایران، سفرنامه‌ها با تبیین مؤلفه‌های فرهنگ و هویت ایرانی و تصویربرداری و بازنمایی
جهان ایرانی، سهم سرداری در نقش‌بندی صورت و سیرت ایرانیان در ذهن و ضیغم
اروپاییان ایفا نموده و به طور توامل گستره روابط فرهنگی، سیاسی و زرفی‌ی معرفت
آن‌ان نسبت به ایران را رقم زدند.

انتخاب دوره‌ی خاطرگزاری این‌که جهان‌گری استراتژی شناخت
از ایران بنا به مقاصد گوناگون علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، عفاینی و غیره، به
نحو گستردگان در این دوره تکوین یافت. دیگر آن‌ها، در دوره‌ی پیش از منظر هیچ‌ی
نقظه عطف به حساب می‌آید. دوره صفویه چون با تلفیق سه عنصر مهم هویت‌ساز مذهب، استدوه و سرزمان، بیان‌کننده عصر نوینی در فراپندا بالنده هویت بابی ایرانیان به شمار می‌آید و دوره فجریه نیز که مقارن با مداخله همه‌جانبه اروپاییان در ساخت جنگ ایران و تأثیر عمیق آن بر هویت دیربای آن و مواجهه دورهای مجدد ایرانیان معاصر در مشکله هویت بوده، مورد توجه قرار گرفته.

مقاله با تمرکز بر نقش نسبتاً پایدار می‌دهد هویت‌های فرهنگی در فراپندا بازنشستی ملت‌ها از یکدیگر شناسه‌ها و وزگری‌های ایرانی، علی‌رغم سنگین‌نمایه اروپایی مورد مداقه قرار داد و به‌خاطر خصوصیات ایجابی و سلبی هویتی را که دارای قرارائی قابل ملاحظه بوده و در سنگین‌نمایه ایرانی مطرح شده‌اند، به شرح زیر استخراج نمود. مهم‌ترین مختصات هویتی ایجابی ایرانیان عبارتند از: مدارای دینی، دین‌ماداری، خونگری می‌بینند، نقطه‌بندی و عالم‌دوستی، طبع شعری، دلستگی عمیق به مؤلفه‌های هویت ایرانی، مرجعیت عالمان دین در بین مردم و رواج فرهنگی عفاف در سطح جامعه. در مقابل، تاریخي و وزگری‌های هویت سلبی ایرانیان عبارتند از: خرافگرایی و تقدرپذیری، تجمل گرایی، پنهان‌کردن و دورپوشیدن و فقیدان شیوع‌سالاری، مصاحبه‌های، فقدان روح نقدی، نشان دستگاه سیاسی و جدایی تمام عیان دولت و ملت.

57
**ضیمیه**

سفنامه‌های مورد مطالعه در مقاله به ترتیب تاریخ به شرح زیرند:

الف) صفویه

1- سفرنامه برادران شریفی انجیلی از نامدارترین سفرنامه‌های که مربوط به دوران صفویه (شام عباس بزرگ) در سال ۱۵۷۸/۱۳۵۶ میلادی است.

2- سفرنامه گانز اتسال آلمانی که راه‌های مختلف و انتقال‌های بایگانی مربوط به دوران صفویه (شام، عباس الزارعی) است. که به مدت در سال ۱۳۵۶ و هفت روز از ۱۳۶۱ میلادی با ۱۳۵۵ هجری قمری در ایران گذرانده و از شهرهای اصفهان، شیراز، گلیپاکن، شیراز، جنوب و شمال ایران و دیدن کرد و در شهر شیراز (بهشهر) با شاه عباس ملاقات نمود و مدت مدیدی در ایران زیست.

3- سفرنامه پیتر دئوأولی، سیاح، از کشور اسپانیا به دوران صفویه و زمان شاه عباس اول تعلق دارد. وی در سال ۱۳۶۱ میلادی با ۱۳۵۸ هجری قمری در ایران ترویج و تا ۱۳۶۳ میلادی و همزمان با مدت صفویه است. وی جمعاً ۶ سفر طولانی به ایران داشت و ضمن بازدید از مناطق مختلف ایران سهم عمده‌ای را از سفرنامه ایران به دوران صفویه ساخت.

4- سفرنامه مادران آلمانی که در سال ۱۳۵۲ میلادی به ایران سفر کرد و به ایران در سال ۱۳۵۳ میلادی و همزمان با مدت صفویه، بازدید کرد و سفرنامه‌ای را از خاطرات و تجربات خود در ایران ساخت.

5- سفرنامه شافراتون، سیاح، در سال ۱۳۵۳ میلادی به ایران سفر کرد و به ایران در سال ۱۳۵۴ میلادی و همزمان با مدت صفویه، بازدید کرد و سفرنامه‌ای را از خاطرات و تجربات خود در ایران ساخت.

6- سفرنامه خردخواست، سیاح، در سال ۱۳۵۴ میلادی به ایران سفر کرد و به ایران در سال ۱۳۵۵ میلادی و همزمان با مدت صفویه، بازدید کرد و سفرنامه‌ای را از خاطرات و تجربات خود در ایران ساخت.

7- سفرنامه مادران آلمانی که در سال ۱۳۵۵ میلادی به ایران سفر کرد و به ایران در سال ۱۳۵۶ میلادی و همزمان با مدت صفویه، بازدید کرد و سفرنامه‌ای را از خاطرات و تجربات خود در ایران ساخت.

ب) قاجاریه

1- سفرنامه گانز اتسال آلمانی که در سال ۱۳۴۵ و هفت روز از سال ۱۳۴۶ میلادی در ایران زیست و در ایران قاجاریه است. وی در این مدت یک سفر طولانی به ایران داشت و ضمن بازدید از مناطق مختلف ایران بازدید کرد و سفرنامه‌ای را از خاطرات و تجربات خود در ایران ساخت.

اطلاعات مربوط به سفرنامه‌ها از دو جلد کتاب ارتقاء‌های مختلف، بزرگ، پژوهش و تشریح خصوصیات زنده بردم ایران عصر قاجار برداخته است.

*
سفرنامه اولیه، سیاح و پژوهش فرانسوی است که در آغاز دوران قاجار - دوران اجتماعی و اقتصادی تحقیق کرد. (۱۷۹۶ میلادی) به ایران سفر کرد و به افتخار حرکت هم در این بیمارستان های شاغل در ایران و هم مسایل اجتماعی و اقتصادی تحقیق کرد.

۲- سفرنامه سروانتی هنری لاوردر فرانسوی با عنوان سفرنامه لاوردر بیانگری اولیه در ایران به دوره قاجاریه تعلق دارد. در سال ۱۳۲۹ خورشیدی وارد ایران شد و با کشتن حیاتی از مناطق جنوب و جنگ غرب ایران را بازدید کرد.

۳- سپاهان نمونه چریکی‌های سرباز در ایران و ایرانیان. سپاه در دوره ناصرالدین شاه در ایران زیست و از مناطق مختلف ایران از جمله شیراز، برخی از قزاق‌های غرب و غرب دیده کرده است.

۴- سفرنامه کنت دوگوینوی فرانسوی با عنوان «سال‌های ایران» در ایران به دوره قاجاریه تعلق دارد. در سال ۱۳۵۵ میلادی، او در سفرنامه‌اش درباره مکان‌های تاریخی ایران به ویژه طبیعی و مسایل اجتماعی خوانده است.

۵- خاطرات لیدی شیل همکاری مختار به عنوان ناصرالدین شاه تغلق دارد. در سال ۱۳۵۱ میلادی، وی طی مورد پاسخگویی به این سوال درباره ایران به ویژه در مورد عادات و رسوم مردم ایران، به ایران رفت و از راه هرگز به نهاده برگشت.

۶- سفرنامه مادام کلاسنا با عنوان «دوران ایلیت» در ایران به دوره ناصرالدین شاه تغلق دارد. در سال ۱۳۷۸ میلادی، وی تغلق در ایران اقامت گرد و سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.

۷- سفرنامه رابرت، ویستن شرایط زندگی در ایران، به ایران بازگشت و سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.

۸- سفرنامه مادام کلاسنا با عنوان «دوران ایلیت» در ایران به دوره ناصرالدین شاه تغلق دارد. در سال ۱۳۷۸ میلادی، وی تغلق در ایران اقامت گرد و سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.

۹- سفرنامه مادام کلاسنا با عنوان «دوران ایلیت» در ایران به دوره ناصرالدین شاه تغلق دارد. در سال ۱۳۷۸ میلادی، وی تغلق در ایران اقامت گرد و سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.

۱۰- سفرنامه مادام کلاسنا با عنوان «دوران ایلیت» در ایران به دوره ناصرالدین شاه تغلق دارد. در سال ۱۳۷۸ میلادی، وی تغلق در ایران اقامت گرد و سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.

۱۱- سفرنامه ادوارد یوراون خاورشناس پرآواز اکلیسی با عنوان پس سال در میان ایرانیان هم‌مان با دوره قاجاریه به تغلق در ایران از ۱۳۷۸ میلادی، وی با مشترکه بودن در سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.

۱۲- سفرنامه مادرکشی و جغرافیای با عنوان «جهان‌پردازی ایران» در ایران به دوره قاجاریه تعلق دارد. در سال ۱۳۸۳ میلادی، وی با مشترکه بودن در سفرنامه‌ای منتقل و نسیانی جامعی از زندگی ایرانیان نام مسئول شده به رهبر و نخست‌وزیر ایران، به ایران بازگشت.
سال هشتام، شماره ۱۳۸۶

۱۳- سفرنامه دکتر ویلیام گرترود امپریکی با عنوان «بیست سال در ایران» به اواخر تکلیف دارد. وی برای انجام خدمات پزشکی به ایران آمد و ابتدا در کرمانشاه به ارتقاء خدمت پرداخت و سپس به تهران مهاجرت نمود. دکتر ویلیام‌تار بر سال ۱۹۱۰ میلادی و به سال ۱۲۸۹ هجری در تهران خدمت کرد. وی در سفرنامه‌اش از مشاهداتش در تهران عصر قاجار و نحوه زندگی توده مردم و وضع بهداشت و عادات و آداب و مناسب‌های اجتماعی سخن گفت. است.

۱۴- سفرنامه خانم کلارا کولورراس انجیلیس با عنوان «بیست و هفتم سال ایرانی» متولیه به اواخر قرن نوزدهم میلادی سال ۱۹۹۵ میلادی و یکی از دلیر جشن‌های زنان سبازی در ایران معرفی می‌شود. داشت وی به نمود تا محاسن و معایب زندگی زنان ایران و آداب و روزه‌های آن را به تصویر بکشید.

۱۵- سفرنامه کتیبه ویلیام فرانثیس به نام «خاطرات سفر ایران» به اواخر عهد ناصرالدین شاه قاجار اختصاص‌دارد. وی طی سفرش سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۳ از ایران سفر کرده و در سفرنامه‌ای حرفیه‌ای درباری و وضع جامعه ایران و امتیازات اجتماعی و اوضاع مالی، اقتصادی و کشاورزی و چارچوب خارجی ایران به نگاشت در آورد.

۱۶- سفرنامه ابراهیم و. پیامد جوکسن امپریکی در هر هستاد دانشگاه کلمبیا با عنوان «سیرنامه جکسن، ایران در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۳۳ میلادی» به دوره قاجاریه متعلق دارد. وی در آن محفل‌نامه و این ایران مهاجرت به ایران سیر را خواندن کنیم.

۱۷- سیرنامه کریستینا سچانی، دارویزه و. ژان‌یوان در سال ۱۹۰۷ میلادی و به سال ۱۲۹۵ هجری، سیرنامه‌ای حرفیه‌ای درباری و وضع جامعه ایران و امتیازات اجتماعی و اوضاع مالی، اقتصادی و کشاورزی و چارچوب خارجی ایران به نگاشت در آورد.

۱۸- سفرنامه ژئونسکو نوشته هوگو سگورت، جغرافیایی و ف网易شان نامدار آلمانی مربوط به آغاز قرن بیست و هفتمه علی می‌باشد. این سیرنامه و حرفیه‌ای از اشتغال جغرافیایی و مردم‌شناسی و از آثار حاضر استفاده شده است.
 المنابع:
الف) منابع فارسی

اسبیت، آتنیوی (1385): تاریخ و ادبیات، تاریخ، ترجمه منصور انصاری، تهران:

۱- انتشارات تعداد ایرانی.
۲- اوزری، اولو (1383): تاریخ‌نامه‌ای، ترجمه حسنعلی قاسمی، تهران: انتشارات تعداد ایرانی.
۳- اولتی بوس (1383): «سفنامه اولتی بوس» ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه احمد بهبهانی، تهران: انتشارات ایران تاریخی.
۴- اولیه، سمیه (1378): سفرنامه اولتی بوس، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوران آگاهی‌افزار، ترجمه میرزا محمد طاهر، تصحیح: ورهم غلام‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
۵- باهنگ و هویه (1383): سفرنامه جنوب ایران، ترجمه احمد اصلانی، تصحیح: محمد حسین خان، تهران: امیرهای، تهران: نمای کتاب.
۶- پرودور، اولو (1385): پکسال در میان ایرانیان، ترجمه غیثا مرتضی، چاب چاب، تهران: انتشارات صفار.

۷- بلیر، جوزفرود (1383): تصویری از ایران، ترجمه چراغی ریاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
۸- یولر، یواکب اولو (1385): سفرنامه یولر، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاروس چهاردانی، چاب چاب، تهران: خوارزمی.
۹- ناجی‌کی، محمد‌روفیتا (1384): روزبه قصری و همیش در میان ایرانیان، تهران: مرکز بررسی‌های استرالیک ریاست جمهوری.

۱۱- گل، زیدرود (1383): سفرنامه‌ها... تا پنجم شود خامی، ج چ، تهران: نشر ثالث.
۱۲- دوولی، کاسپی (1374): سفرنامه در ایران، ترجمه اعتماد مقدم جوهره، تهران: شابندر.
۱۴- دلارالله، پیر (1380): سفرنامه دلارالله، ترجمه به‌هرزی، تهران: نشر ثالث.
۱۵- دوولی، کاسپی (1375): سفرنامه دوولی، ترجمه جهانگیر قلنده، تهران: نشر ثالث.
۱۶- روشنوار، کنت دلی (1378): مدارک اصلی ایران، ترجمه میر ابراهیم تکلی، تهران: نشر ثالث.
۱۷- سرا، کارل (1385): سفرنامه کارل، مردم و دین‌های ایران، ترجمه تزه‌سی، تهران: نشر ثالث.

گ) منابع انگلیسی

۱۸- شریف، کارل (1363): سفرنامه کارل، ترجمه اولانس، به کوشش علی‌باکی، چاب متهم، تهران: نشر به‌دید.
۱۹- شیبانی، اولو (1381): سفرنامه اولو، ترجمه سیدمحمد‌دین‌ده بیرغری، تهران: شرکت انتشارات علی‌باکی و فرح‌گری.
۲۰- شیبانی، اولو (1381): سفرنامه اولو، ترجمه سیدمحمد‌دین‌ده بیرغری، تهران: شرکت انتشارات علی‌باکی و فرح‌گری.
۲۱- شیبانی، اولو (1381): سفرنامه اولو، ترجمه سیدمحمد‌دین‌ده بیرغری، تهران: شرکت انتشارات علی‌باکی و فرح‌گری.
}

61
ب) منابع اکلیسی

35- O,Riordan,Tim (2001); Globalism, Localism and Identity, London: Earthscan Publications.
36- Pool, Ross (1999); Nation and Identity, London: Routledge.
39- Smith, Anthony D (1999); Myths and Memories of the Nation, London: Oxford University Press.